



در نخستین نشست تخصصی ۴۴ شهردار شب با علیرضا آکانی چه گذشت؟

ملاقات با شهرداران شب

تهران در مسیر خدمات
شبانه‌روزی قرار گرفت

صفحه ۱۵

مرحله دوم نوسازی پل‌های عابر مکانیزه پایتخت
شروع شد

۱۶ پل مکانیزه احیا می‌شود



۱۴

پل سال گذشته
در برنامه نوسازی
و بهسازی قرار
گرفتند.



۱۰۷

پل با ۴۳۰ یونیت
پله‌برقی در شهر
تهران وجود
دارد.



۱۶

پل با ۷۲ یونیت
برای نوسازی در
مرحله دوم انتخاب
شده‌اند.

صفحه ۱۴

رئیس شورای شهر تهران از سنگ اندازی هادر مسیر ورود
واگن‌های مترو گلایه کرد

توقف واگن‌های چینی در پیچ‌های اداری

نمایندگان مردم در پارلمان شهری چه
تذکراهایی دادند؟

صفحه ۱۵

در شهر

همکاری تهران با کنیا در حوزه شهری و مواد غذایی

شهرداری تهران با هدف افزایش تعاملات تجاری و تأمین غذای مورد نیاز شهروندان، همکاری مشترکی را با حکومت محلی نایروبی کشور کنیا آغاز کرده است. این اقدام به دنبال سفر مدیرعامل سازمان مدیریت میادین میوه و تره‌بار تهران به کنیا و برگزاری نشست‌های تخصصی در زمینه تأمین گوشت و میوه انجام شده است. اما این همکاری چطور خواهد بود؟

اهداف سفر به کنیا چه بود؟

- افزایش تعاملات بین سازمان میادین و مجموعه‌های مرتبط در کشور کنیا
- همکاری‌های شهری و تجاری
- انعقاد تفاهمنامه بین شهرداری تهران و حکومت نایروبی

چه دستاوردهایی برای تهران داشت؟

- تأمین گوشت گرم و دام زنده
- حل مشکلات لجستیک
- ایجاد پرواز مستقیم و کشتی‌های حمل دام برای ارسال گوشت و دام زنده به ایران
- همکاری بازرگانان دوطرف برای اجرایی شدن توافقات
- برگزاری نشست‌های تخصصی با تجار و تولیدکنندگان کنیایی



ایجاد امکان همکاری مشترک

مهدی بختیاری زاده، مدیرعامل سازمان مدیریت میادین میوه و تره‌بار شهرداری تهران: سفر به کشور کنیا و شهر نایروبی به همراه هیأت جمهوری اسلامی ایران برای حضور در اجلاس کمیسیون مشترک ایران-کنیا برگزار شد. هدف سازمان مدیریت میادین برای حضور در این اجلاس، افزایش تعاملات بین سازمان میادین و مجموعه‌های مرتبط در کشور کنیا در راستای تأمین گوشت مورد نیاز سازمان مدیریت میادین و همچنین تبادل میوه‌های مورد نیاز برای هردو کشور بود. همچنین نشست‌های خوبی با سازمان‌های مرتبط در حوزه تأمین غذا و گوشت مانند وزارت کشاورزی، سازمان تجارت غذا و سازمان امنیت غذایی کشور کنیا برگزار شد. در نتیجه این نشست‌ها نیز قرار شد تا تفاهمنامه‌هایی بین وزارت جهاد کشاورزی ایران و سازمان‌های مختلف حکومت محلی نایروبی تبادل شود. امیدواریم در آینده نزدیک این توافقات در راستای تأمین گوشت قرمز به ایران و تبادل میوه عملیاتی شود. اعتقاد داریم که این توافقات با همکاری بازرگانان و تجار دوطرف اجرایی می‌شود.



عکس: همشهری/رضا نوراله

من خلیل، راننده تاکسی ۹۰ ساله

گفت‌وگو با خلیل خشکه‌پزان، راننده‌ای که فیلم
خداحافظی‌اش با این حرفه حسابی پربازدید شده است

مهدی اسماعیل پور | روزنامه‌نگار | فیلم

گزارش

خداحافظی احساسی راننده ۹۰ ساله با تاکسی‌اش در روزهای اخیر حسابی در فضای مجازی گل کرده و پربازدید شده است. فیلم آنقدر چرخیده و دوست‌په دست شده تا شادی مالکی، مدیرعامل سازمان تاکسیرانی هم آن را دیده است. همین کافی بود تا خلیل خشکه‌پزان به عنوان قدیمی‌ترین و فعال‌ترین راننده تاکسی شهر تهران حکم مشاور خانم مدیرعامل را دریافت کند؛ به همین بهانه خلیل خشکه‌پزان و پسرش علی مهمان تلویزیون اینترنتی همشهری شدند.

آقا خلیل چطور شد که آن فیلم خداحافظی با تاکسی‌تان را گرفتید؟

به عروسم گفتم دیگر باید از تاکسی خداحافظی کنم و بیا یک فیلم یادگیری از من بگیر.

فکر می‌کردید فیلم آنقدر دیده شود؟

من لیاقت این چیزها را نداشتم و مردم ما بزرگوار هستند. علی خشکه‌پزان: آن فیلم را برای دل خودمان و به درخواست خود پدر گرفتیم. اصلاً تصور را هم نمی‌کردیم که آنقدر دیده شود و کامنت بگیرد. بچه‌ها از این فیلم خوششان آمد و گفتند یک صفحه مجازی برای پدر درست کنیم و فیلم را به اشتراک بگذاریم. همان موقع پسرم یک صفحه مجازی به نام پدر ایجاد کرد و فیلم را داخل آن گذاشت که یهو ترکید! پسرم هرچند دقیقه یکبار با دوق صدایم می‌کرد و می‌گفت: بابا فالوورها اینقدر شدند و بابا الان اینقدر دیگر بازدید گرفت. خودمان تعجب کرده بودیم که چه اتفاقی دارد می‌افتد!

پس انتظار نداشتید فیلم خداحافظی‌تان در فضای مجازی اینقدر پربازدید شود و به دست مدیران سازمان تاکسیرانی برسد؟
واقعا نه، اما از همشهریان و هموطنان خود ممنونم که با پیام‌های محبت‌آمیز و پرهمشان مرا شرمند کردند؛ پیام‌های زیادی که بعد از انتشار فیلم به دستم رسید، واقعا خستگی ۶۰ سال مسافرکشی را از تنم بیرون کرد.

بعد از آنکه مدیرعامل سازمان تاکسیرانی به خانه‌تان آمد، چه احساسی داشتید؟

خانم مالکی لطف کردند و زحمت کشیدند و با همکارانشان به منزل ما آمدند و واقعا شرمندهام کرد. یک لوح تقدیر همراه حکم مشاور مدیرعامل هم به من دادند. من که سواد درست و حسابی ندارم، اما تا آنجا که می‌دانم و به اندازه تجربه‌ای که در این همه سال کسب کرده‌ام تلاش می‌کنم تا مشکلات رانندگان تاکسی حل شود و آنها مشکلات مرا نداشته باشند. رانندگان تاکسی واقعا گرفتار هستند.

شما در فیلم گفته بودید که تاکسی زن دوم شماست؛ یعنی اینقدر به تاکسی وابسته بودید؟

فرشته همسرم کرونا گرفت و به رحمت خدا رفت و در خانه تنها هستم. تمام این سال‌ها به عشق او کار می‌کردم و به عشق او هم زنده هستم. واقعا یک فرشته بود؛ زنی آبرودار و بساز که با بعضی از خانم‌های امروزی خیلی فرق داشت. حریف خرج و مخارج زندگی نمی‌شدم. با روزی ۱۰ تومان اجرت، علاوه بر خودمان هزینه‌های پدر، مادر و یک خواهر کوچک‌ترم را هم می‌دادم. ۲-۳ سال با بچه در یک اتاق

۱۸متری روی پتوی سربازی زندگی می‌کردیم، اما حتی یک‌بار هم اعتراض نکرد.

حالا چرا آنقدر از فروش تاکسی ناراحت بودید؟

غیرتم اجازه نمی‌دهد بیکار باشم و باید کار کنم. مرد نمی‌تواند بیکار داخل خانه بنشیند. در مدتی که تاکسی‌ام را فروختم نامی دانستم که چه باید بکنم. با پول تاکسی فروخته شده نمی‌توانم هیچ شغل و کار دیگری برای خودم راه بیندازم؛ حتی نمی‌توانم با پول آن یک ماشین دیگر بخرم و مسافرکشی کنم. هنوز هم می‌خواهم کار کنم. مرد تا زنده است باید کار کند. به‌خاطر پول و مادیات نه، اما نمی‌توانم در خانه بیکار بنشینم و باید برای کار و تلاش، هر روز از خانه بیرون بزنم. علی خشکه‌پزان: اگر یکی مانند پدترم بخواهد مدام در خانه بنشیند افسردگی می‌گیرد. در برخی از کامنت‌ها، نوشته بودند مگر فرزندان ایشان غیرت ندارند که اجازه دادند پدرشان تا این سن و سال کار کند؟ ما خیلی از پدر خواستیم، اما چون می‌دیدیم اگر در خانه بنشیند افسرده می‌شود و روحیه‌اش آسیب می‌بیند، فشار نمی‌آوردیم و اجازه دادیم تا آنطور که دوست دارد و راحت است، زندگی کند. این انرژی و سرزندگی که در این سن و سال در پدرم می‌بینید به‌خاطر همین ارتباطی است که با بیرون خانه و با مردم دارد. با مسافران حرف می‌زد و دلش باز می‌شد، ولی اگر در خانه می‌نشست، به‌خصوص بعد از فوت مادرم حتما افسردگی می‌گرفت. هر تصمیمی که پدر بگیرد، ما استقبال می‌کنیم و اختیار زندگی‌اش دست خودش است.

پس نظرهایی هم بسود که باعث دلخوری‌تان شد؟

علی خشکه‌پزان: بله، متأسفانه عده‌ای گفته بودند وقتی فرزند دارد، بچه‌هایش اینقدر بی‌لیاقت هستند که دست پدرشان را بگیرند تا در این سن و سال کار نکنند. دیگر نمی‌دانستند که این موضوع تصمیم خود پدر است که می‌خواهد کار کند و روی پای خودش بایستد و خانه نشینی را دوست ندارد. به هر حال

آنها حقیقت و اصل ماجرا را نمی‌دانستند و فقط نظر و برداشت خودشان را نوشتند.

دلان برای رانندگی با تاکسی تنگ شده است؟

به این شغل عادت کرده بودم. ۵۲ سال برای خودش یک عمر زندگی است. من ۵۲ سال با تاکسی کار می‌کردم. منظورم آن ماشین خاص نیست و چندبار ماشین عوض کرده‌ام. همین‌جا یک خاطره برایتان تعریف کنم. یک زن و شوهری را سوار کردم که عقب نشستند و با هم دعوا می‌کردند و به همدیگر بد و بیراه می‌گفتند. داشتند می‌رفتند دادگاه تا طلاق بگیرند. همانجا ایستادم و گفتم شما را دادگاه نمی‌برم و یک جعبه شیرینی می‌خرم و باید سر خانه و زندگی‌تان برگردید! همین کار را هم کردم و با هم آشتی کردند. خاطره دیگرم هم برای سال ۱۳۵۶ است که یک مرد خیر از من پول کمی گرفت و خانه‌ای بزرگ ۱۶۰-۵۰ متری به من داد که ساکن ورامین شدم. آن وقت ورامین دهات و دور تادورش زمین کشاورزی بود. فقط من در آنجا ماشین داشتم و مردم هر وقت کمک می‌خواستند در خانه ما را می‌زدند. در همان سال فقط چندتا زانو را برای زایمان به بیمارستان‌های تهران رساندم و علاوه بر تاکسی نقش آمبولانس هم داشتم.

اولین باری را که پشت تاکسی نشستید، یادتان هست؟

اردیبهشت سال ۱۳۵۲ بود. تاکسی مدل ۴۸ را به قیمت ۴۳ هزار تومان خریدم. ماجرای جور کردن پول آن تاکسی هم جالب بود. آن سال من چنین پولی نداشتم. تنها دارایی‌ام یک خانه تیرچوبی و حصیری ۵۰ متری بود که آن را فروختم. مقداری هم قرض کردم و تاکسی را خریدم. خودم هم مستاجر شدم. از آن روز دیگر کفش‌هایم را ور کشیدم و تا همین چند هفته قبل راننده تاکسی بودم.

کی ازدواج کردید؟

سال ۴۳ ازدواج کردم و سال ۴۶ هم خدا نخستین فرزند را به ما داد. تا سال ۵۰ صاحب ۴ فرزند شدیم. خدا فرزند به ما داد که ۴ پسر و ۲ دختر هستند. همه آنها را هم با همین روزی حلال مسافرکشی بزرگ کرده‌ام. تمام این سال‌ها واقعا کار کردم و چادر روی ماشینم نکشیدم. خانه من در فرچک ورامین است. هر روز ۶ تا ۸ گونیم صبح تهران بودم و ساعت ۹ تا ۱۰ شب به خانه برمی‌گشتم. بالاخره برای بچه‌هایم و تأمین مخارج زندگی باید کار می‌کردم.

هیچ وقت سر پول خرد با مسافران دعوا نکردم

گوش سمت چپ من بغل شیشه از دود، بوق، گرد و خاک از بین رفته است و فقط گوش سمت راستم شنوایی دارد. ۵۲ سال راننده تاکسی بودن کم نیست؛ در سال‌هایی که کار می‌کردم برای ناهار به خانه نمی‌رفتم و کنار خیابان و داخل تاکسی ناهار می‌خوردم؛ چون باید کار می‌کردم. کاش جوان‌های ما هم بشنوند و بفهمند که در زندگی باید کار کرد. از نظر مادی هیچ مشکلی نداشتم و ندارم و خدا را شکر بچه‌هایم‌های من را دارند. هیچ وقت سر پول خرد با مسافران دعوا نکردم.

چرا خشکه‌پزان؟

علی خشکه‌پزان: چون شغل پدر بزرگم ناتوا بود و نان‌های خشک و روغنی می‌پخت. ددیم‌ها اغلب هر کسی هر شغلی که داشت همان را روی نام فامیلی‌اش می‌گذاشتند. پدر در ابتدا همراه پدرش قنادی و نانواپی داشتند و خشکه‌پز بودند. تقریباً بعد از اینکه به تهران می‌آید و ازدواج می‌کند، می‌بیند که این شغل کفاف خرج و مخارج زندگی زن و بچه را نمی‌دهد؛ بنابراین راننده تاکسی می‌شود و برای تأمین مخارج زندگی روزی ۱۰-۱۲ ساعت با تاکسی کار می‌کند. وقتی به سن بازنشستگی هم رسید، ما نتوانستیم خانه‌نشینی کنیم و راضی به خانه‌نشینی نمی‌شد. ما می‌گوییم نگران خرج و مخارج نباش، اما پدر همیشه اصرار دارد که روی پای خودش بایستد.

مشخصات

نام: خلیل خشکه‌پزان

متولد اول دی ۱۳۱۴

شروع فعالیت به عنوان

راننده تاکسی: سال ۱۳۵۲

خداحافظی با شغل

راننده تاکسی: سال ۱۴۰۴

نوع فعالیت تاکسی: تاکسی گردشی

سمت: مشاور مدیرعامل سازمان

تاکسیرانی شهر تهران

ویژگی: مسن‌ترین و پرکارترین راننده

تاکسی تهران

سابقه: ۶۰ سال مسافرکشی

(۵۲ سال راننده تاکسی)